Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب - مقاله پژوهشی - سال نهم - شماره یک - بهار ۱۴۰۱: ۲۱۲-۱۸۳
doi.org/10.22091/csiw.2021.6127.1929

Positive Barriers to Judicial Justice in Islam and Criminal Law of Afghanistan and France

Adel Sarikhani[1]
Sayed Haidar Shah Mousavi[2]

Received: 27/10/2020; Accepted: 11/09/2021

Abstract:

Barriers to judicial justice are behaviors that interfere with the rights of individuals to equal access to the judiciary or the right of society to prosecute and punish criminals, and provide the basis for the lack of justice. For this reason, the Islamic political system has provided appropriate and comprehensive solutions for the realization of judicial justice and has pointed out the obstacles to its realization. In the penal laws of Afghanistan (Arts. 461-494) and France (Arts/ 434-1 to 434-30) respectively, a chapter has been devoted to these crimes. In this study, we seek to answer this question that what strategy has been adopted by the penal policies of Islam, Afghanistan and France in the face of the positive barriers to judicial justice? The findings of the research indicate that in general, the policy and practice of Islam is not fully compatible with the criminal laws of Afghanistan and France for the described crimes. Because, first, the criminalization of these actions has been, in general, without taking into account the fact that they are actions against judicial justice; second: some of the factors that impede the administration of judicial justice (No concealment of sexual offenses, Injustice and lack of specialization of judges), which are prohibited according to Islamic teachings, have not been criminalized and observed by the legislators of these countries. This article has been conducted through a descriptive-analytical method. While exploring the need to criminalize barriers to judicial justice, positive barriers to judicial justice such as failure to report crimes, threatening the victim of the crime not to file a complaint, elimination of the evidence of the crime and hiding the criminals are identified from the perspective of the criminal law of Afghanistan, France, and Islam. Finally, the performance of the legislators of these countries in dealing with this category of crimes has been criticized and studied.

Keywords: Crime, Judicial justice, Barriers to Judicial Justice, Penal Code, Islam, Afghanistan, France.

1 Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, (Corresponding Author); Email: Adelsari@yahoo.com.
2 PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب - مقاله پژوهشی - سال نهم - شماره یک - بهار ۱۴۰۱: ۲۱۲-۱۸۳
doi.org/10.22091/csiw.2021.6127.1929

تاریخ‌دریافت ۹۹/۰۸/۰۶ - تاریخ‌پذیرش ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

عادل ساریخانی[۱]
سید حیدرشاه موسوی[۲]

چکیده

موانع علیه عدالت قضایی رفتار هایی هستند که به حقوق افراد در دسترسی برابر به دستگاه قضایی و یا حق جامعه در تعقیب و مجازات بزهکاران خلل وارد می‌آورند و زمینه را برای عدم تحقق عدالت قضایی فراهم می‌کنند. به همین جهت، نظام سیاسی اسلام برای تحقق عدالت قضایی راهکارهای مناسب و جامعی را فرا روی انسان قرار داده و موانع تحقق آن را گوشزد کرده است. در قانون جزای افغانستان و فرانسه نیز هر کدام به ترتیب فصلی خاص از مواد (٤٦١) تا (٤٩٤) کد جزا و (١-٤٣٤) تا (٣٠ - ٤٣٤) قانون مجازات را به این جرایم اختصاص یافته است. در این پژوهش، در تکاپو و بررسی پاسخ به این سؤال هستیم که سیاست کیفری اسلام، افغانستان و فرانسه در قبال موانع ثبوتی عدالت قضایی چه راهبردهای را در پیش گرفته است؟ یافته‌های تحقیق حاکی از این است که به طوری کلی سیاست و عملکرد اسلام با قوانین کیفری افغانستان و فرانسه در قبال جرایم موصوف تطابق کامل ندارد. زیرا، اولاً، جرم-انگاری این اقدامات، به نحو کلی و عام و بدون در نظر گرفتن این مهم بوده که آنها اقدامات علیه عدالت قضایی هستند؛ ثانیاً، برخی از عوامل مخل اجرای عدالت قضایی(عدم بزه‌پوشی در جرایم علیه عفت، عادل نبودن و تخصص نداشتن قضات) که طبق آموزه‌های اسلامی مورد نهی قرار گرفته است، توسط قانون‌گذاران کشور ذکرشده جرم انگاری و رعایت نشده است. این مقاله به روش توصیفی ـ تحلیلی انجام گرفته است. ضمن تبیین ضرورت جرم‌انگاری موانع علیه عدالت قضایی، موانع ثبوتی عدالت قضایی هم‌چون: عدم اعلام جرم، تهدید قربانی جرم مبنی بر عدم طرح شکایت، از بین بردن ادله جرم و مخفی‌کردن عاملان جرایم از دیدگاه اسلام، حقوق کیفری افغانستان و فرانسه شناسایی شده، و در پایان، عملکرد قانونگذاران کشورهای مزبور در برخورد با این دسته از جرایم مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: جرم، عدالت قضایی، موانع عدالت قضایی، قانون جزا، اسلام، افغانستان، فرانسه.

۱. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسؤل)؛ رایانامه: Adelsari@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

عدالت همواره در طول تاریخ به عنوان ارزشی والا مورد ستایش قرار گرفته و بشر با ادراک وجدانی خود آن را از آغاز تمدن بشری شناخته و به عنوان هدف آرمانی، برای استقرار و تحقق آن تکاپو نموده است. در تاریخ تمدن بشریت پیش از آن‌که فکر قانون و مفهوم آن سامان یابد، اندیشه عدالت و قواعد آن متبلور شده بود. در نظام حقوقی اسلام نیز عدالت به عنوان یک اصل مهم و اساسی مطرح بوده، تا جای که تحقق آن از نظر آموزه-های قرآن، یکی از مهم ترین اهداف گران‌سنگ تمام پیامبران و تشریع قوانین معرفی گردیده است. علاوه بر قرآن کریم و سیره پیامبران اسلام، امامان معصوم، به ویژه امیر المؤمنین(ع) در جهت تبین عدالت و تحقق آن در جامعه بشری اهتمام وافر داشته اند. عدالت اقسام(اجتماعی، اقتصادی، قضایی ...) متفاوت دارد. اما عدالت قضایی را می‌توان مهم ترین شعبه آن دانست، به گونه ای که کاربرد عدالت به تنهایی، همان معنای عدالت قضایی را که در بستر دستگاه قضاوتی(مرحله کشف جرم تا صدور حکم) متجلی می‌شود در ذهن متبادر می کند، زیرا عدالت، آمیخته با قضاوت و دادگری است. تحقق بخشیدن عدالت قضایی زمانی میسر خواهد بود که نظام قضایی به گونه ای عادلانه برنامه ریزی شده باشد. از این رو عدالت قضایی بیش از هر چیز، وام دار عدالت کیفری و قوانین عادلانه است. فرآیند صدور تا اجرای حکم، گرفتار چالش‌های خرد و کلان است که نیازمند برنامه ریزی دقیق، برای رهاندن روند اجرای عدالت از این چالش‌ها است، جرایمی که موجب مخدوش ساختن عدالت قضایی در دستگاه قضایی(کشف جرم تا اجرا حکم) می-گردد، جرایم علیه عدالت قضایی قلمداد می‌شود. نیاز جدی به رفتار عادلانه دستگاه قضایی در روند اجرای قانون، متکفلان قانون را بر آن داشته است که در جهت برخورد با انحرافات و تخلفات پیش روی اجرای قانون، به جرم انگاری انحرافات مزبور بپردازند(Bohlander, 2001: 101). باری، هر آنچه که در مسیر اجرای قوانین شکلی و تشریفات دادرسی و اجرای حکم خلل وارد نماید، به عنوان جرایم علیه عدالت قضایی تلقی می‌شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جرایم علیه عدالت قضایی به طور عمده در دو طبقه گنجانیده شده است، موانع ثبوتی استقرار عدالت و موانع اثباتی در اجرای عدالت، موانع ثبوتی استقرار عدالت، اعمالی هستند که به طور اخص در عدم اجرای عدالت اثر می‌گذارند. از جمله این جرایم می‌توان به عدم اعلام جرم و مخفی نمودن بزهکار اشاره کرد. با این وجود، برای حاکمیت عدالت قضایی در جامعه، شایسته است اعمالی که مانع تحقق عدالت قضایی می‌شود جرم‌انگاری شده؛ مباشران، شرکاء و معاونین این اعمال مجازات شوند. برهمین اساس اکثر دولت‌ها از گذشته های دور به مجازت رفتارهایی پرداخته اند که به اجرای عدالت قضایی خدشه وارد می‌آورد، حتی در کشورهای که قوانین آنها الهام گرفته از نظام کامن لا می‌باشد از جمله آمریکا در خصوص این جرایم پرداخته شده است(Scheb, 2012: 375) . در کنفرانس رم نیز در حوزه این جرایم مقررات به صورت چشمگیری بازنویسی شد و تحت عنوان «جرائم علیه اجرای عدالت» جرم انگاری گردید.[1].امروزه در قرن بیست و یکم که اصل قانونی بودن جرم و مجازات به عنوان یکی از اصول حقوق جزا به رسمیت شناخته شده است(paradel, 1994: 25)، برخی از کشورها(آلبانی، چین، امارات) فصلی مستقل را به عنوان بزه‌های علیه اجرای عدالت قضایی در قانون کیفری خود گنجانیده، و آن را در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی خویش قرار داده اند(کوشا، ۱۳۸۹: ۴۱). البته این بدین معنا نیست کشورهای که چنین فصلی را در قوانین کیفری خود ندارند از پیش‌بینی چنین جرایم فارغ باشند بلکه در برخی کشورها مفهوماً و به شکل عملی به آن می‌پردازند. جرایم علیه عدالت قضایی در قوانین جزایی افغانستان و فرانسه جرم انگاری شده است که در کد جزای افغانستان فصل خاصی تحت عنوان جرایم علیه عدالت قضایی از مواد (۴۶۱) تا (۴۹۴) اختصاص یافته است در قانون مجازات فرانسه (۱۹۹۲)[2] نیز یک فصل خاصی از مواد (۱ ـ ۴۳۴) تا (۳۰ ـ ۴۳۴) در نظر گرفته شده است. در دین مبین اسلام هم این موضوع مغفول نمانده است؛ آیات و روایات فراوانی در خصوص جرایم موصوف وجود دارد از جمله:کتمان شهادت(سوره بقره، آیه ۲۸۳)، همکاری با مجرمین(سوره قصص، آیه۱۷) ظلم

1 . UN Doc. A/CONF.183/C.1/WGPM/L.2/ Add.7
2 . Le Nouveau code penal

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و ستم کردن به مظلومان و زیان دیده‌گان(سوره شورا، آیه ۴۲). نیز از نگاه اسلام و امامان معصوم ریشه واقعی تمام این جرایم و انحرافات که باعث مخدوش شدن عدالت قضایی و احقاق حق می‌شود پیروی از هوای نفس گفته شده است. همان طور که حضرت علی (ع) می‌فرماید: « أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ » (نهج البلاغه، ۱۴۲۲: ش۲۳۱). به هرحال، در این پژوهش این موضوع بررسی خواهد شد که سیاست کیفری اسلام، افغانستان و فرانسه در قبال موانع ثبوتی عدالت قضایی چه راهبردهای را در پیش گرفته اند؟ آیا تمام موانع ثبوتی عدالت قضایی در نظام حقوقی کشورهای مزبور جرم انگاری شده است؟ با تتبع در قوانین کیفری افغانستان و فرانسه، روشن می گردد که در خصوص موانع ثبوتی عدالت قضایی پرداخته شده ، اما به نظر می‌رسد بعضی از مصداق های این جرایم در قوانین کیفری کشورهای ذکر شده مخصوصاً در قوانین کیفری افغانستان به شکل پراکنده و غیر کارشناسی مرقوم شده است و نیز وجود پاسخ‌های نا متناسب نسبت به جرایم مورد نظر و همچنین سکوت یا بیان ناقص مقنن (افغانستان و فرانسه) در حیطه این جرایم معضلی است که در سیاست کیفری کشورهای فوق وجود دارد. اهمیت و ضرورت احقاق حق و اجرای عدالت در مقام قضاوت و دادرسی، از یک سو، وجود خلاهای قانونی و فقدان سیاست جنایی کار آمد، در برخورد با این جرایم ایجاب می‌کند که تحقیقات گسترده‌ای در این حوزه انجام گیرد. بدین لحاظ در این جستار به دنبال نقد و بررسی حقوق کیفری افغانستان و فرانسه، در قبال موانع ثبوتی عدالت قضایی، به عنوان عوامل انحراف مسیر اجرای عدالت قضایی، و تطبیق آن با مقررات جزایی اسلام هستیم که در ابتدا به مفهوم جرایم علیه عدالت قضایی سپس موانع ثبوتی عدالت قضایی و در ادامه نظام حقوقی اسلام، افغانستان و فرانسه در قبال جرایم موصوف، موردِ واکاوی و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم موانع ثبوتی عدالت قضایی

موانع ثبوتی عدالت قضایی از جمله مباحث جدید، در حقوق کیفری اختصاصی است که فهم و شناسایی آن، مستلزم دانستن مفهوم عدالت قضایی است. عدالت قضایی ترکیبی اضافی است که از دو واژه «عدالت» و «قضایی» ترکیب یافته است. از عدالت مفهوم و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تعاریف متعددی بیان شده است؛ و دارای مفهوم عام و خاص است(کاتوزیان، ۱۳۵۲: ج۱، ۴۳). این گوناگونی تعاریف، با اختلاف شرایط حاکم بر جوامع، مناسبت بسیار دارد. برخی از این تعاریف عبارتند از : توازن و تناسب(علی‌خانی، ۱۳۸۸: ۱۶۰؛ افلاطون، ۱۳۶۷: ج۱، ۲۴۰۵)، اعْطاءُ کلِّ ذی حَقٍّ حَقَّهُ (مطهری،۱۳۸۵: ۲۶۸؛ طباطبایی، ۱۳۸۶: ج۱، ۲۷۱)، مساوات(جرجانی، ۱۴۰۴: ۷۵۸)، اعتدال(امامی، ۱۳۹۵: ۸۹) و انصاف(وکیل زاده، ۱۳۸۹: ۹۹؛ حاتمی،۱۳۹۱: ۱۶۰)، رفتار مطابق قانون(جعفری، ۱۳۸۵: ۲۵۴). اصل واژه‌ای «قضاء» در مفهوم قطع کردن، سرنوشت، تقدیر، حکم، فرمان و داوری کردن بیان شده است(سعیدی، ۱۳۹۳: ۲۹۴). در قرآن مجید نیز به معنای، امر[۱]، اراده[۲]، حکم و فرمان[۳] آمده است که در بحث ما نیز همین معنای حکمیت و داوری مدنظر می‌باشد(یزدی طباطبایی، ۱۴۰۴: ج۲: ۲، ولیدی، ۱۳۸۰: ۲۷۱). شاید همه این تعاریف در جای خود درست باشد و هر کدام برداشتی از حقیقت عدالت را بیان کند، لیکن به نظر میرسد جامع ترین تعریفی که از عدالت ارائه شده و مناسب موضوع بحث ما نیز است، «رفتار مطابق قانون» می‌باشد. باری، از مجموع این تعاریف می توان عدالت قضایی را رعایت قانون در مقام فرآیند دادرسی و قضاوت دانست. اما در رابطه به مفهوم موانع ثبوتی عدالت قضایی بهتر است ابتدا لزوم تمایز میان مقام ثبوت و اثبات بیان گردد، در عالم حقوق وقتی‌که از تمیز مراحل ثبوت و اثبات صحبت می‌شود منظور چیست و چه رابطه ای میان این دو مفهوم بر قرار است؟ در خصوص تعریف آن بعضی‌ها گفته اند مقام ثبوت یعنی حوزه وجود واقعی اشیاء(توسلی جهرمی، ۱۳۸۲: ۱۳۸). اما بعضی دیگر تعریف کرده اند که مقام ثبوت همان مقام حقیقت یا مقام نفس الامری است و مفهوم از نفس الامری عبارت است از حد ذات شیء، و مراد از حدّ ذات مقابل فرض فارض است و شامل مرتبه ماهیت و وجود خارجی و ذهنی می‌شود (رحمانی، ۱۳۸۸: ۱۰۶). در رابطه به مقام اثبات می توان گفت آن چیزی که در عالم خارج این نفس الامر را

۱. وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا(سوره اسراء، آیه ۲۳).
۲. إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ(سوره آل عمران، آیه ۴۷).
۳. وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ(سوره غافر، آیه ۲۰).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ثابت نماید مقام اثبات تلقی می‌شود. با این وجود، برخی از دانشمندان حقوق بر این باور اند که جرایم علیه عدالت قضایی به طور عمده در دو طبقه گنجانیده می‌شود، موانع ثبوتی استقرار عدالت و موانع اثباتی در اجرای عدالت. موانع ثبوتی استقرار عدالت، اعمالی هستند که به طور اخص در عدم اجرای عدالت اثر می‌گذارند. از جمله این جرایم می‌توان به عدم اعلام جرم و مخفی نمودن بزهکار جرم اشاره کرد. موانع اثباتی نیز اعمالی را در بر می‌گیرند که در روند اثبات جرم خلل ایجاد می‌نمایند همچون رشا و ارتشا از جمله جرایم هستند که به صاحب منصبان قضایی به قصد نفوذ بر آنان در جهت عدم اجرای عدالت ارتکاب می‌یابد(اسدی، ۱۴۸۴: ۳۹). در مجموعه قوانین جزایی فرانسه نیز از مواد (۷ ـ ۴۳۴) به بعد، موانع اثباتی در اجرایی عدالت را به دو بخش تقسیم نموده است. یک گروه مربوط می‌شود به مأموران قضایی و کلیه کسانی که به نحوی در تشکیلات قضایی فعالیت دارند و گروه دیگر مربوط می‌شود به مأموران اداری. در صورت که این دو گروه، به لحاظ مشاغلی که در نهادهای قضایی متکفل اند به وظایف خویش به نحو احسن انجام ندهد مورد تعقیب قرار می‌گیرند.

۲. مصادیق موانع ثبوتی عدالت قضایی

ممکن است در مرحله قبل از کشف یک جرم، جرایم دیگری ارتکاب یابند که مانع تحقق و اجرای عدالت قضایی در قبال آن جرم اولی شوند. بناءً قانون گذاران کشورهای مختلف جهان بعضی از اعمال و رفتارهای را بخاطر تحقق همه جانبه عدالت در قبال مجرمین، ممنوع قرار داده اند و سعی دارند تا قوانین را به گونه وضع نمایند که عدالت به وجه احسن آن تأمین گردد و از همین جهت است که تعدادی از اعمال و ترک اعمالی را که ممکن است مانع تحقق و روند عدالت قضایی در قبال مجرمین شوند را جرم انگاری نموده و به تابعان قانون تلنگر و هشدار می‌دهند که هرگاه به سبب فعل و یا ترک فعل آنها کشف جرمی متأثر گردد و یا اینکه اصلاً جرم به دلیل عملکرد آنها کشف نشود الزاماً مجازات خواهند شد که ما در این مبحث به صورت مقایسه‌ای قوانین افغانستان، فرانسه و احکام اسلام را در که زمینه موانع ثبوتی این جرایم، به طور اخص در عدم اجرای عدالت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تأثیر می گذارند، بررسی می نماییم. این موانع عبارت اند از عدم اطلاع دهی از وقوع جرم، از بین بردن ادله جرم، تهدید قربانی جرم مبنی بر عدم طرح شکایت و مخفی کردن عاملین جرم .

۱ –۲. عدم اطلاع دهی از وقوع جرم

حقوق و اخلاق از زمان پیدایش بر یکدیگر تاثیر داشته و دارند، ریشه بسیاری از قواعد حقوقی و فقهی اخلاقیات می‌باشد(عزیزی، ۱۳۹۷: ۲۵۴).و نیز ار تباط حقوق و اخلاق و نقش اخلاق در تغییر قواعد حقوقی همواره جز مهم‌ترین دغدغه‌های فلسفه ی حقوق و همچنین اخلاق بوده است. برخی به شدت تلاش کرده اند تا علم حقوق را از سایر ترکیبات نظیر اخلاق جدا سازند.از سوی دیگر، جرم انگاری هیچ رفتار نمی‌تواند بدون مبنا باشد؛ و چون در بخش تعزیزات در نظام اسلامی بر خلاف حدود، قصاص و دیات که به طور مستقیم از فقه گرفته شده؛ دست قانونگذار به منظور جرم قلمداد کردن برخی رفتار ها بیشتر باز بوده است از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی جامعه حمایت کیفری گسترده کرده و رفتار های خلاف اخلاق را جرم انگاری کرده اند بسیاری از رفتار های موجود در قوانین اکثر کشورها(اصل ۴ قانون اساسی ایران و ماده۳،۶ قانون اساسی افغانستان) که توسط مقنن آنها جرم انگاری می‌شود در راستای حمایت کیفری از مبانی اخلاقی بوده است(افراسیابی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴). اطلاع دادن از وقوع جرمی به مقامات دولتی و کمک به دستگاه قضا و تشکیلات مرتبط آن برای کشف جرم و مجازات مجرمین یک امر اخلاقی است و سالها در حوزه اخلاقیات قرار داشته است. لیکن در سال‌های اخیر بسیاری از کشورها(ماده ۳۰۰ قانون جزای آلبانی، ماده ۲۰۶ قانون جزای اردن) این امر اخلاقی را موضوعی حقوقی نموده اند و برای تارکان این رفتار ضمانت اجرای کیفری پیش بینی کرده اند. از سوی دیگر با توجه به محدود بودن امکانات نهاد های قضایی و پلیس در کشف جرم، چنانچه ارتکاب جرم از سوی افراد عادی جامعه اعلام نگردد، بسیاری از جرایم کشف نمی‌شود و به تبع آن عدالت قضایی به طور کامل تحقق پیدا نمی‌کند. برهمین اساس امروزه سیاستگذاران بسیاری از کشورها تحت تأثیر آموزه های سیاست جنایی مشارکتی، در صدد تشویق مردم به اعلام جرم هستند تا از این رهگذر عدالت قضایی بهتر تحقق پیدا کند. به

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

علت تاثیری که اعلام جرم در تحقق عدالت قضایی دارد، متکفلان قوانین بسیاری از کشورها افراد عادی جامعه را با وجود شرایطی مکلف می کنند که وقوع جرم را به مقامات ذی صلاح اعلام کنند و عدم اعلام جرم را جرم تلقی کرده و برای آن مجازات تعیین کرده اند. علت این امر آن است که این جرم همواره پیش از حرکت و تکاپوی دستگاه عدالت کیفری رخ می‌دهد. عدم اعلام جرم در قوانین کیفری افغانستان از آغاز قانونگذاری تا کنون به صورت کلی برای مجازات عدم گزارش دهنده‌گان جرم بوده است. لیکن در مواد مختلف برای چند جرایم خاص(جاسوسی، خیانت به وطن، جرایم تروریستی،..) جرم انگاری شده است(ماده ۴۶۸ کد جزا و مواد ۲۷ و ۲۸ قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی افغانستان). در قانون فرانسه گزارش ارتکاب جرم برای نخستین بار به منظور حمایت از نیروی کار و همکاران در حیطه شغلی در «۲۵ کتبر ۱۹۴۱» الزامی شد. سپس بعد از آزادی فرانسه(۱۹۴۵) عدم گزارش در حوزه ارتکاب جنایات در ماده (۶۲) قانون مجازات کشور مزبور، جرم اعلام شد(نجفی توانا: ۱۳۸۷، ۱۶۶؛ حسن پور، ۱۳۹۶: ۲۷۱). در نهایت در مواد (۱ -۴۳۴ و ۲ ـ ۴۳۴) قانون جزای(۱۹۹۴) فرانسه به عنوان عنصر قانونی جرم انگاری گردید. اما در سیاست جنایی اسلام نسبت به جرم مورد بحث دو سیاست در پیش گرفته شده، یکی سیاست جنایی تسامحی یا سیاست جنایی بزه پوشی که نسبت به جرایم علیه عفت و جنسی همچون؛ زنا ، لواط و مساحقه مصداق پیدا می کند که به جای کشف و اثبات آن، بر پرده پوشی آنها اصرار می‌ورزد(کلینی، ۱۴۱۳، ج۷: ۱۸۵). تا آنجا که در برخی موارد حتی تحقیق و تفحص در باره آن جایز نیست(توجهی، ۱۳۹۳: ۱۵)، تا چه رسد به الزام افراد به اعلام جرم در باره آنها. در بسیاری از روایات اخلاقی و فقهی ـ ناظر بر جرایم منافی عفت از سوی امامان معصوم(ع) به عدم افشای لغزش‌های اخلاقی، به جامعه و حاکمان توصیه شده است؛ به گونه ای که امام صادق(ع) در این خصوص می-فرماید: بر حاکم است که سه چیز را در باره‌ی عام و خاص اجراکند، پاداش دادن به نیکو کار تا رغبت در انجام اعمال نیک در او بیشتر شود. پوشاندن گناه خطاکاران(جرایم جنسی) تا توبه کند و از گناه باز گردد و ایجاد الفت بین همگان به وسیله احسان کردن و انصاف خرج دادن(حرانی، ۱۳۷۶: ۳۳۳). همچنین شارع مقدس اسلام با اشراف کامل بر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تبعات سنگین این مساله و با تأکید بر حفظ آبروی افراد بشر، بر بزه‌پوشی این جرایم(علیه عفت) تأکید نموده است. بسیاری از فقها بر این اعتقادند که مستحب است زانی و هرکس دیگری که چنین گناهی مرتکب می‌شود، خطای خود را بپوشاند(الحصری، ۱۴۱۳، ج۲: ۱۷۷). بنابرین می‌توان گفت از نگاه اسلام نسبت به بخش عمده ای از جرایم علیه عفت و جنسی به عمد و با تدبیر شارع مقدس و با اتخاذ یک سیاست «بزه پوشانی» بلا تعقیب مانده و به صدور حکم و اعمال کیفر منتهی نمی‌شود. سیاست دوم، سیاست غیر تسامحی است که مبتنی بر مصحلت اجتماع است، و تأکید بر اعلام جرم دارد. زیرا، اعلام جرم در موارد بسیاری همچون جرایم علیه امنیت عمومی، محاربه و قتل یک تکلیف شرعی است و الزام افراد به ادای این تکلیف امکان پذیر است(شهید اول، ۱۳۹۹: ۱۴۴ـ۱۴۲). برای مثال، فرض نماید اگر شخصی بگوید که در داخل دانشگاه قم تروریست‌ها و داعشی‌ها بمب گذاشته، و احتمال هم ضعیف باشد اصل بر این است که همه اشخاص را بررسی نماید هرچند بمب هم وجود نداشته باشد. اما اگر از یک شخص که قلم آن سرقت شده است و یقین دارد خودنویس آن نزد آقای الف است در این صورت اجازه ندارد شخص را به خاطر یک قلم بازرسی نماید؛ چون ارزش ندارد به خاطر یک قلم آبرو و عزت آن را خدشه‌دار نماید. بنابراین در سیاست کیفری اسلام هر قدر محمتل مهم و قابل ارزش باشد و احتمال هرچند خیلی ضعیف هم باشد اصل بر کشف آن است اما اگر محتمل ارزش نداشته باشد ولی احتمال صد در صد یقینی هم باشد اصل بر عدم کشف آن بیان شده است. عدم اعلام جرم در کشور های مختلف از جمله افغانستان و فرانسه دارای ارکان متشکله مشترکی می‌باشد ولیکن در برخی موارد جزیی نیز با یکدیگر تفاوت دارند؛که در ذیل به بررسی ارکان متشلکه جرم مورد بحث می‌پردازیم.

۱-۱-۲. رکن مادی

رفتار مرتکب در این جرم ترک فعل می‌باشد و با فعل قابل تصور نیست. برای تحقق این جرم علاوه بر ترک فعل یک‌سری شرایط نیز نیاز می‌باشد که لازم است بررسی گردد. با تتبع و مطالعه تطبیقی قوانین کیفری افغانستان و فرانسه و اسلام در خصوص جرم مورد نظر دانسته می‌شود که در قانون مجازات فرانسه، تقسیم بندی جرایم را به جنایت، جنحه و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خلاف پیش بینی نموده (ماده ۱ ـ ۱۱۱ ق. ج. ف) و عدم اعلام جرم را تنها به جنایت اختصاص داده است. اما در قوانین کیفری افغانستان با استناد به ماده (۴۶۸) کد جزا و ماده (۲۷) و (۲۸) قانون جرایم علیه امنیت داخلی خارجی، عدم اعلام جرم را فقط به چند جرایم خاص منحصر یافته است و دیگر جرایم را شامل نمی مشود. در آموزه‌های اسلام همان طوریکه در مباحث قبل بیان گردید نسبت به جرایم علیه عفت و جنسی اصل بر عدم اعلام آن تأکید شده، ولی نسبت به جرایم علیه امنیت عمومی، محاربه و قتل که مبتنی بر مصحلت اجتماع است، تأکید بر اعلام آن شده است. به نظر می‌رسد با اهتمام به فلسفه جرم انگاری که از یک سو در جهت نفع عمومی است و از سوی دیگر در واقع تبدیل وظیفه اخلاقی شهروندان به وظیفه حقوقی است و باعث محدود شدن حوزه خود مختاری افراد می‌شود، باید به حداقلی که دولت نیازمند مشارکت مردمی برای مبارزه با پدیده جنایی است اکتفا نمود. لذا سیاست جنایی کشورهایی که آن را منحصر به جرایم مهم نموده اند ارجح به نظر می‌رسد. شرط دیگر تحقق این جرم در قوانین کیفری افغانستان و فرانسه آن است که فرد این جرایم را به نهادهای ذی‌صلاح اعلام ننماید. لذا، در صورتی که گزارش جرم به غیر از مقامات ذی‌صلاح باشد، فرد از مسؤولیت کیفری مبرا نخواهد بود. شرط دیگر تحقق این جرم در قانون مجازات فرانسه آن است که اگرچه جرم باید از درجه جنایی باشد لیکن عدم گزارش، تنها در صورتی جرم می‌باشد که امکان پیشگیری یا محدود کردن آثار جرم یا پیشگیری از جرایم دیگر که ممکن است بزهکار مجدداً مرتکب شود، وجود داشته باشد و اعلام جرم مؤثر و مفید واقع بشود(کوشا، ۱۳۸۹: ۲۵). لیکن در قوانین کیفری افغانستان چنین قید را ذکر ننموده است و به طور مطلق عدم گزارش جرم را فارغ از آن که تأثیری در پیشگیری یا محدود کردن آثار جرم اصلی داشته باشد یا نداشته باشد جرم انگاری نموده است. قوانین کیفری فرانسه در خصوص جرم مورد بحث از این جهت اولی می‌باشد که در راستای جرم انگاری محدود و عدم تحمیل مسؤولیت کیفری بر شهروندان به ویژه در این جرم خاص می‌باشد و قوانین کیفری افغانستان از این جهت ارجح می‌باشد که قضاوت در خصوص نظم عمومی را به شهروندان موکول نکرده است. بدین معنا که در صورت پیش بینی چنین قید محدود کننده‌ای در واقع هر شهروند را در مقام

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قضاوت در خصوص نظم عمومی قرار داده و به وی اجازه داده شده است که تصمیم گیری نماید آیا در صورت اعلام جرم که در جامعه تحقق یافته نهادهای ذی‌صلاح قادر به پیشگیری و محدود کردن آثار جرم هستند یا خیر؟ در صورتی که پاسخ وی برای خودش منفی باشد وی در خصوص آن پاسخ‌گو نخواهد بود. در حالی که این جرایم از بزه‌های بسیار خطرناک و مهم می‌باشد. لذا، به باور نگارنده سیاست کیفری اسلام و افغانستان که گزارش جرم را تنها به قید چند جرایم مهم و خاص محدود کرده است مناسب‌تر می‌باشد. به نظر می‌رسد در قسمت نتیجه حاصله این جرم با عنایت به قوانین کیفری افغانستان و فرانسه مطلق می‌باشد و فارغ از اینکه جرم اصلی کشف شود یا نشود در صورت عدم اعلام جرم، شخص تارک مسئولیت کیفری خواهد داشت.

۲-۱-۲. رکن روانی

برخی حقوق‌دانان بر این باورند که رکن روانی جرایم عمدی شامل قصد(عام و خاص)، اراده و آگاهی می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۲۳۵). با پذیرش این نظر، مرتکب عدم اعلام جرم نیز باید قصد(عام)، اراده و آگاهی معتبر جزایی برای این ترک فعل داشته باشد. با این وجود، در قانون افغانستان مرتکب باید عمد در عدم گزارش جرم داشته باشد و در قانون فرانسه مرتکب باید عامداً جنایت را گزارش ندهد. در نظام اسلام نیز باید عمدا اعلام نکند. در حقوق فرانسه نیز با استناد به ماده (۱ ـ ۴۳۴) ق.م، مرتکب بایست از این امر که اعلام جرم مؤثر و مفید در پیشگیری یا کاهش آثار جرم یا جلوگیری از وقوع جنایت جدید است آگاه باشد، در غیر این صورت قابل مجازات نخواهد بود.

۳ -۱- ۲. مجازات

در خصوص عدم اعلام جرم، با توجه به اینکه موضوع و ماهیت جرم که باید به اطلاع برسد در کمیت و میزان مجازات مؤثر است، در قانون مجازات فرانسه در خصوص عدم اعلام جرم از نظر درجه جنایت، دو گونه مجازات را در نظر گرفته شده است.

اول، اگر جنایتی که باید گزارش داده شود، به عنوان تعرض به منافع اساسی حکومت و دولت همچون خیانت، جاسوسی و نظیر آن، یا به عنوان عمل تررویستی در قانون گنجانیده شده باشد، اگر از سوی افراد که آگاهی از وقوع آن دارد اطلاع داده نشود، در این جا

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقنن فرانسوی مجازات شدیدتری(بند اول، ماده ۱ ـ ۴۳۴ ق. م. ف: ـ ۵ سال حبس و هفتاد و پنج هزار یورو جریمه نقدی) را برای تارکان آن در نظر گرفته است. دوم، اگر جنایتی که بایست به اطلاع نهادهای ذی‌صلاح برسد غیر از این جرایم باشد، مجازات تا سه سال حبس و تا چهل پنج هزار یورو جریمه نقدی پیش بینی شده است. در قوانین کیفری افغانستان مجازات عدم اعلام جرم را در چند جرایم خاص، حبس متوسط(ماده ۱۴۷ کد جزا ـ بیش از یک سال تا پنج سال حبس) در نظر گرفته است.اما مجازات جرم مورد بحث از نگاه اسلام نسبت به بخش عمده ای از جرایم علیه عفت و جنسی به عمد و با تدبیر شارع مقدس و با اتخاذ یک سیاست «بزه پوشانی» بلا تعقیب مانده و به صدور حکم و اعمال کیفر منتهی نمی‌شود. ولی در موارد جرایم علیه امنیت عمومی، محاربه و قتل که مبتنی بر مصحلت اجتماع است، تأکید بر اعلام آن شده است و آنرا یک تکلیف شرعی دانسته اند، ولی مجازات مشخصی برای آن بیان نشده است و حاکم شرع می‌تواند با استناد به «التعزیر بما یراه الحاکم» هرقدر صلاح بداند مجازات در نظر بگیرد.

۲– ۲. تهدید بزه‌دیده جرم مبنی بر عدم طرح شکایت

تهدید بزه‌دیده به عدم طرح شکایت یا استرداد آن از جمله موانعی است که تحقق عدالت قضایی را ناممکن می‌سازد. تهدید در لغت به معنای ترسانیدن و زجر دادن است(لنگرودی،۱۳۹۰ : ۱۸۳). و در اصطلاح عبارت است از توسل به اعمال فشار بر دیگری که باعث ارتکاب جرم گردد، (جمعی از نویسندگان« قاموس اصطلاحات حقوقی افغانستان»،۱۳۸۷ : ۸۹). اکثر کشورها، در بعد تقنینی، همگام با جرم انگاری تهدید اشخاص در اسناد فراملی، این جرم را به طور خاص در قوانین کیفری خود گنجانیده اند و برای آن ضمانت اجراها در نظر گرفته اند. برای نمونه، بند (۱) ماده (۴۱) قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۹ کشور ایرلند، ماده (۵۱) قانون نظم عمومی و عدالت کیفری ۱۹۸۴ کشور انگلستان در خصوص این جرم پرداخته است(colman: 2004: 2-4). و نیز در قوانین کیفری ایالات متحده آمریکا، چه در سطح فدارال و چه در سطح ایالتی تلاش های زیادی برای جرم انگاری تهدید بزه‌دیدگان به عمل آمده است(T(peter: 1996: 13 زیرا تهدید اشخاص رفتاری است که امنیت فردی این افراد را متزلزل می کند و باعث مخدوش شدن

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

امنیت جامعه نیز می‌شود. همچنین از جهت دیگر، «میل» در کتاب فایده گرایی خود بیان میدارد که هر رفتاری که امنیت جامعه را تخدیش نماید برای تمام افراد جامعه که در آن زندگی می کند تخدیش کننده می‌باشد(mill, 1972:128). به هرصورت، تهدید در قوانین کیفری افغانستان دارای آثار متفاوت می‌باشد.گاه تهدید شرط تحقق جرم است(ماده ۶۲۵ کد جزا).گاه تهدید به طور مستقل جرم انگاری شده است، (ماده ۶۲۳ کد جزا)،گاه تهدید را تحت مصداق های موانع عدالت قضایی جرم انگاری نموده است(ماده ۴۶۱ فقره ۲). در ماده (۵ ـ ۴۳۴) قانون مجازات فرانسه نیز به صورت مستقل در این خصوص پرداخته شده است، طبق ماده مزبور:« هرگونه تهدید یا هر عمل ارعاب انگیز دیگری علیه هر شخص به منظور مجبور ساختن بزه دیده یک جنایت یا جنحه مبنی بر عدم طرح شکایت یا استراد شکایت مستوجب سه سال حبس و ۴۵ هزار یورو جزای نقدی است». در نظام اسلام آیه ۴۲ سوره شورا، اشاره به کسانی می کند که بر مردم ستم می کنند و در زمین بناحق ظلم را روا می‌دارند، خداوند برای این اشخاص عذاب درد ناکی در نظر گرفته است(سعیدی، ۱۳۸۵: ۳۳۷). از سوی دیگر، امامان معصوم و علمای اسلام بر این باورند که سرچشمه این ظلم‌ها و ستمها، پیروی از هوای نفس است(اخلاقی، ۱۳۸۹: ۲۰۴). و هر شخصی که بر نفس خود غالب نباشد مرتکب چنین ظلم و ستم‌های خواهد شد. در مواردی تهدید اشخاص نیز که یک از مصداق های ظلم و ستم به نظر می‌رسد به صورت کلی و عام به مذموم بودن آن تأکید کرده است؛ بدون اینکه صراحتی در باره تهدید بزه دیدگان مبنی به عدم طرح شکایت، به طور خاص بیان کرده باشد(توجهی، ۱۳۹۱: ۹).در این خصوص با عنایت به نظام حقوقی افغانستان، فرانسه و اسلام می‌توان ارکان جرم مورد بحث را به شرح ذیل مورد بررسی قرار داد.

۱ –۲– ۲. رکن مادی

از لحاظ رکن مادی این بزه تهدید علیه زیان دیده به عدم گزارش یا شکایت به مراجع ذی صلاح می‌باشد. این جرم از طریق فعل مثبت قابل تحقق است و با ترک فعل قابل تصور نیست. این جرم علیه بزه‌دیده مستقیم یا غیر مستقیم تحقق می‌یابد(صفاری، ۱۳۹۴: ۶۴). چنانکه در بند A(۲) «اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای زیان دیده‌گان و قربانیان سوء

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

استفاده از قدرت» به صراحت بیان شده است« واژه بزه‌دیده به مناسبت، خانواده درجه یک و دیگر بستگان بزه دیده مستقیم را در بر می‌گیرد»[1]از لحاظ نتیجه گفته شده که این جرم(ماده ۵ ـ ۴۳۴ قانون مجازات فرانسه)، از جرایم مقید می‌باشد و عمل فرد باید منجر به عدم طرح شکایت یا استرداد آن توسط بزه‌دیده بشود باشد(کوشا، ۱۳۸۹: ۳۹). اما با تحلیل مواد قانونی چنین مطلبی گفته می‌شود که این جرم از زمره جرایم مطلق بوده و نیاز به حصول نتیجه ندارد. دلیل این امر آن است که از یک سو، یکی از وظایف حقوق جزا حمایت از امنیت و حقوق جامعه و آزادی‌های فردی است(Francis, 1996: 27). از جهت دیگر، یکی از حقوق بنیادین هر بزه‌دیده طبق اسناد بین المللی(ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر) مراجعه به دادگاه برای احقاق حق می‌باشد و این احقاق حق از جمله چهار قسم حق(حق ادعا[2]، حق امتیاز و آزادی[3]، حق قدرت[4] و حق مصؤنیت[5]) که هوفلد ارایه کرده است(Hohfeld, 1919: 35) از زمره حق ادعا می‌باشد. حقوق جزا وظیفه دارد از این حق حمایت نماید. از طرفی اصل در جرایم مطلق بودن است مگر اینکه ماهیت جرم حصول نتیجه را اقتضاء نماید و یا مقنن حصول نتیجه را شرط بداند. چنانکه ملاحظه می‌شود در فقره (۲) ماده (۴۶۱) کد جزای افغانستان و ماده (۵ ـ ۴۳۴) قانون مجازات فرانسه هیچ یک جرم را مقید به حصول نتیجه نکرده اند و صرف رفتار را برای تحقق جرم کافی دانسته اند. لذا این جرم در نظام حقوقی کشورهای مزبور مطلق و نیاز به حصول نیتجه نمی‌باشد. از طرف دیگر، تهدید افراد دخیل در عدالت قضایی می‌تواند به صورت صریح یا ضمنی و نسبت به هر موضوعی(مال، جان، آبرو و یا ...) صورت پذیرد، تهدید با توجه به تعریف ذکر شده همان معنای عرفی تهدید را دارا می‌باشد لیکن تهدید ضمنی در واقعی اعمال ارعاب انگیزی است که به قصد ارعاب دیگران انجام می‌گیرد اما به طور مستقیم تهدید بیان نمی‌شود. جرم تهدید بزه‌دیده نیز شامل هر دو این موارد

1 . General Assembly Resolution 40/34, annex. Declaration of Bassic principles of justisce for Victims of Crime and Abuse of power.
2 . Claim – Right
3 . Liberty / Privilege – Right
4 . Power – Right
5 . Immunity – Right.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌گردد. به همین جهت مقنن افغانستان و فرانسه به ترتیب در فقره (۲) ماده (۴۶۱) کد جزا و ماده (۵ ـ ۴۳۴) قانون مجازات هر دو واژه «تهدید» یا «عمل ارعاب انگیز» را به کار برده است تا تهدید ضمنی و صریح را شامل بشود.

۲ – ۲ – ۲. رکن روانی

از لحاظ رکن روانی که شامل قصد عام و قصد خاص است(ولیدی، ۱۳۷۴: ۲۷۷). سوء نیت عام در این جرم اراده آزاد فرد در تهدید دیگری می‌باشد، اما از آنجا که رکن مادی دو جرم تهدید عام و تهدیدی که از مصداق های جرایم علیه عدالت قضایی قرار می‌گیرد یکسان می‌باشد. قوانین برای تفکیک این دو جرم(تهدید عام و تهدید خاص) به سوء نیت خاص روی آورده اند. لذا، این جرم علاوه بر سوء نیت عام جهت تفکیک از تهدید عام نیازمند سوء نیت خاص نیز می‌باشد. سوء نیت خاص این جرم قصد اجبار یا اکراه بزه‌دیده به عدم گزارش یا شکایت می‌باشد. به همین دلیل در قانون فرانسه در ماده (۵ ـ ۴۳۴) به صراحت به این قصد پرداخته شده است. اما در قانون افغانستان این جرم مطلق با عدم سوء نیت خاص است. در نظام حقوقی اسلام مخصوصاً فقهای شیعه بر این باورند که علم به حکم و موضوع، یکی از شرایط عام تکلیف است(محسنی، ۱۳۷۵: ۲۱۹). با عدم علم، رکن روانی، یعنی همان عصیان که جرم مورد بحث نیز یکی از مصداق های عصیان تلقی می‌شود در مخالفت با احکام جزای اسلام محقق نمی‌گردد و بدون تحقق رکن روانی جرم محقق نمی‌شود(قیاسی، ۱۳۹۱: ۲۵۹). در نتیجه شخص در قبال آن رفتار مسؤولیت جزایی ندارد.

۳ – ۲. از بین بردن ادله جرم

تمامی دست اندرکاران عدالت کیفری از زمان کشف جرم در تکاپو و یافتن دلایل برای شناسایی عاملین جرم و دستیابی به ادله برای محکوم نمودن مجرمین و برائت بی‌گناهان می‌باشند. این ادله می‌تواند توسط افرادِ که به طور مستقیم جرم و مجرم را مشاهده نموده‌اند و یا مطلعین از جرم ارائه گردد و یا ممکن است دلایل از صحنه جرم تحصیل گردد. لذا همه این دلایل در جای خود از اهمیت به سزایی برخوردار می‌باشند. به دلیل این اهمیت، دلایل ممکن است به قصد سنگ‌اندازی و با نیت تبرئه و خلاصی مجرم، یا به قصد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

محکومیت شخص بی‌گناه یا به هر قصد دیگری مورد مداخله قرار گیرد. بدین جهت، امحای آثار و ادله‌ی جرم نیز که مانع تحقق عدالت در فرایند دادرسی می‌شود از زمره جرایم علیه عدالت قضایی قلمداد شده و در قوانین اغلب کشورها به صورت مستقل جرم-انگاری شده است(امیدی، ۱۳۹۶: ۱۷۵). در قانون افغانستان این رفتار طبق ماده(۴۶۹) کد جزا تصریح شده و برای عاملان این جرم مجازات در نظر گرفته شده است. همچنین در قانون فرانسه نیز با تأسی از ماده (۴ ـ ۴۳۴) قانون جزای آن این جرم چنین مرقوم شده است« هرکس اعمال زیر را به منظور ایجاد مانع در کشف حقیقت انجام دهد به مجازات سه سال حبس ساده و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی محکوم می‌گرد. ... (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۶: ۳۳۳). در توضیح این ماده باید گفت، برای کشف حقیقت در روند اجراآت جزایی مراحل مختلفی در نظر گرفته شده و مقامات عدلی ـ قضایی باید این مراحل را طی کنند. از جمله این وظایف، جمع آوری اسناد، مدارک، شواهد و دلایل در مراحل مختلف می‌باشد. در نظام حقوقی اسلام نیز در مورد از بین بردن ادله و کتمان شهادت که موجب اخلال روند تحقق عدالت قضایی می‌شود مورد نکوهش قرار گرفته است. در قرآن کریم در آیه ۲۸۳ سوره بقره می‌فرمایید: «ولا تَکتموا الشهاده و مَن یکتمها فانه اثمٌ قَلبُهُ و الله بما تعمَلُون عَلیم» طبق این آیه شریفه، کسانی که از حقوق دیگران آگاه هستند موظف اند به هنگام دعوت برای ادای شهادت آن را کتمان نکنند و مطابق با واقع شهادت نمایند. همچنین از پیامبر بزرگ اسلام(ص) نیز در این خصوص روایت نقل شده است که می‌فرماید:[1] اگرچه این آیه و روایت مزبور بر حرمت کتمان شهادت در دین اشاره دارد، اما بدیهی است که مورد، مخصص نیست(طبرسی، ۱۳۷۸: ۱۳۵). از طرف دیگر در عبارت « و مَن یَکتُمها فانَه اثم قَلبُه» حرمت کتمان شهادت به دین معلل به این است که کتمان گواهی ناشی از گناه قلبی است و کسی که عمداً مرتکب گناه شده، مجازات می-شود؛ زیرا قصد و عمد از ویژگی های قلب است و این معنا در کتمان کلیه شهادت ها

۱. « اگر کسی نزد قاضی یا داوری، گواهی دروغی دهد و یا آن را پوشیده دارد، گفتارش بپایان نمی‌رسد، جز اینکه خدا جایگاه نشستن او را در دوزخ آکنده از آتش می‌سازد. »

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

موجود است(مغنیه، ۱۳۸۶: ۷۶۸؛ نجارزادگان، ۱۳۸۹: ۳۸) . ولی با استناد به این آیه و روایت می توان اهمیت ادله را که از مولفه های شهادت است استنباط کرد چون وجود داشتن ادله می تواند کمک زیادی را به کشف جرم و تعقیب متهمان کند تا بی‌گناه جای گناه کار مجازات نشود و از بین بردن ادله باعث می شود که عدالت قضایی به صورت عادلانه تحقق نیابد به همین جهت آیه و روایت مزبورکسانی را که از حقوق دیگران آگاه هستند موظف اند به هنگام دعوت برای شهادت آن را کتمان نکند. با این همه، چنانکه از نظام حقوقی اسلام و قوانین افغانستان و فرانسه بر می‌آید جرم مورد بحث برای تحقق دارای یکسری شرایطی می‌باشد در صورت فقدان آن جرم مزبور قابل تحقق نخواهد بود.

۱– ۳ – ۲. رکن مادی

رفتار مرتکب در این بزه فعل و ترک فعل می‌باشد زیرا از بین بردن ادله، رفتار مثبت می‌باشد(فعل). و افرادی نیز به لحاظ موقعیت شغلی، می‌بایست دلایل و آثار جرم را حفظ نماید ولی این کار را نمی‌کند(ترک فعل). لیکن انجام دادن این اقدامات نسبت به تمامی اسناد یا اشیا نمی‌تواند جرم از بین بردن ادله را تحقق بخشد. زیرا چنان که از عنوان این بزه استنباط می‌شود این جرم تنها نسبت به اسناد و دلایلی قابل تحقق است که ممکن است به عنوان ادله در ضمن تحقیق یا فرآیند رسیدگی تعقیب کیفری متهمان مورد استفاضه قرار گیرد و یا نسبت به چیزی هایی که ماهیت آن ها باعث تسهیل کشف می‌گردند. این جرم از لحاظ نتیجه در قوانین کشورها متفاوت می‌باشد. در قانون افغانستان با استناد به ماده (۴۶۹) کد جزا جرم مورد بحث مطلق می‌باشد و مقید به حصول نتیجه نیست(رسولی، ۱۳۹۸: ج۳، ۳۷). یعنی به محض این که فاعل جرم یکی از اعمال این ماده را انجام دهد مرتکب این جرم محسوب می‌شود. اما در قانون فرانسه این جرم از این لحاظ که شخص بایستی ادله را تغییر دهد یا ... مقید به حصول نتیجه می‌باشد(کوشا، ۱۳۸۹: ۳۸). بدین معنا که ادله در این جرم باید حتماً مورد مداخله قرار گیرند و در صورتی که فرد رفتاری را مرتکب شود و لیکن با این رفتار هر چند با قصد سوء، ادله مورد مداخله قرار نگیرد جرم تحقق نیافته است. لیکن از این منظر که آیا بایستی این مداخله باعث عدم کشف جرم شود، پاسخ منفی بوده و جرم از این نظر مطلق می‌باشد. زیرا چنان که از عبارت قانون فرانسه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

استنباط می‌شود فرد با جابجایی این ادله باعث شده حقیقت مبهم جلوه کند و یا ادله ای را از بین برده که ماهیت تسهیل کشف جرم را داشته است. در صورتی که نظر قانونگذار فوق بر مقید بودن جرم به قید عدم کشف جرم اصلی بوده عبارت ادله تسهیل کننده صحیح نبوده است. زیرا با این عبارت نشان داده است که فرد با مداخله باعث شده است کشف جرم با دشواری همراه شوند، نه آنکه به هیچ عنوان کشف نگردد(یکرنگی، ۱۳۹۶: ۹۸). لذا، نویسنده با این نظر که این جرم مقید به حصول نتیجه است یعنی باید در عمل در عدم کشف واقعیت تأثیر گذار باشد. اگر نهاد مربوطه به شیوه دیگری بتواند حقیقت را حاصل کند در این صورت این جرم مشمول ماده (۴ ـ ۴۳۴) قانون جزای فرانسه تسری نخواهد یافت. در آموزه های اسلام با استناد به آیات و روایات در موردِ از بین بردن ادله و کتمان شهادت که موجب اخلال روند تحقق عدالت قضایی می‌شود به طور مطلق مورد نهی قرار گرفته است[1].از منظر دیگر کیفر جرم مورد بحث در برخی موارد تشدید می‌گردد و آن زمانی تشدید می شود که شخص در راستای وظایفش ادله را در اختیار داشته و به طوری غیر قانونی آن ها را تغییر و تحریف نموده باشد و یا به هر شیوه دیگر در آن خلاف قانون انجام داده باشد.

۳-۲- ۲. رکن روانی

در قسمت رکن روانی در رابطه با سوء نیت خاص با توجه به آن که این جرم مطلق است نمی‌توان علی الاصول آن را نیازمند سوء نیت خاص دانست لیکن از آنجایی که جابجایی و مداخله در ادله جرم تنها زمانی از مؤلفه های جرم علیه عدالت قضایی خواهد بود که مرتکب قصد سوء یعنی قصد عدم کشف حقیقت را داشته باشد، قانونگذاران کشورهای مختلف با علم به این موضوع این سوء نیت خاص را در قوانین خویش به درستی مقرر نموده اند. قانونگذار افغانستان در خصوص این جرم علاوه بر قصد عام، قصد خاص را نیز لازم دانسته است(رسولی، ۱۳۹۸: ج۳، ۳۷). همچنین در قانون فرانسه با توجه به ماده (۴ ـ ۴۳۴) قانون جزای آن به صراحت به رکن روانی و سوء نیت خاص اشاره نموده

۱ . ولا تَکتموا الشهادةَ و مَن یکتمها فانه اثمٌ قَلبُهُ و الله بما تعمَلون عَلیم(سوره بقره، آیه۲۸۳)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

است و قصد خاص را در خصوص این جرم شرط دانسته است (یکرنگی، ۱۳۹۶: ۹۹). لذا اگر شخصی به تصور اینکه شی یا ادله هیچ ارتباط به جرم یا اثبات جرم ندارد آن را محو کند به دلیل عدم علم، رکن روانی جرم ناقص می‌باشد. در نظام اسلام نیز علم و عمد که از موضوعات اصلی رکن روانی می‌باشد شرط تحقق این جرم در نظر گرفته شده است و بدون تحقق رکن روانی، جرم محقق نمی‌شود(قیاسی، ۱۳۹۱: ۲۵۹).

۴ـ ۲. مخفی کردن عاملان جرم

در قانون افغانستان مخفی کردن عاملان جرایم را تحت عنوان مؤلفه های جرایم علیه عدالت قضایی در کد جزا در یک فصل مستقل در ماده (۴۹۲) جرم انگاری کرده است و برای عاملان این جرم ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است. در قانون فرانسه نیز در ماده (۶ ـ ۴۳۴) قانون جزای آن پرداخته شده است. در مکتب اسلام نیز مخفی کردن و همکاری کردن با بزهکاران را تعرض به اجراء یا استقرار عدالت قضایی بیان کرده است، و عاملین این جرایم را مورد نکوهش قرار داده است. قرآن کریم در سوره قصص آیه ۱۷ می‌فرماید:« قالَ رَبِّ بِما انعَمتَ عَلَیَّ فَلَن اکونَ ظَهیراً لِلمُجرِمین » از نگاه اسلام ریشه واقعی تمام جرایم و انحرافات که باعث مخدوش شدن عدالت قضایی می‌شود پیروی از هوای نفس گفته شده است. همان طور که حضرت علی (ع) می‌فرماید: « أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ » (نهج البلاغه، ۱۴۲۲: ش۲۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج۱، ۴۴؛ مازندرانی، ۱۳۸۲: ج۲، ۱۶۳).با ملاحظه به قوانین افغانستان، فرانسه و آموزه‌های اسلام در خصوص این جرم می-توان ارکان مادی و روانی آن را استخراج نمود.

۱ –۴ – ۲. رکن مادی

رفتار مرتکب در این بزه، فعل می‌باشد؛ بدین معنا که مرتکب باید رفتاری مثبت در جهت یاری و مساعدت به مجرم انجام دهد مانند تهیه محل سکونت، امکانات مالی، .... . در قانون فرانسه به این موارد تصریح نموده و عنوان داشته است« یا هر وسیله دیگری برای رهایی از تحقیق یا دستگیری فراهم کند» اما در قانون افغانستان از واژه «مخفی نماید یا مساعدت نماید» اشاره نموده است. علاوه بر مورد فوق این جرم در قانون فرانسه اغلب نسبت به جرایم مهم پیش بینی شده است و نه نسبت به تمام جرایم؛ اما در قانون افغانستان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نسبت به تمام جرایم در نظر گرفته شده است. در نظام اسلام هرکس در فرآیند دستگیری این مجرمین اختلال ایجاد کند در واقع در مقابل اهداف احکام اسلامی و جامعه برای مجازات مجرمین ایستاده است، مستحق مجازات می‌باشد(مطهری، ۱۳۶۱: ج۲، ۵۹). همچنین امیر المومنین(ع) در این خصوص به مردم و حاکمان شهر توصیه می‌نماید و میفرماید: از ربا، رشوه، همکاری با مجرمین،... اجتناب ورزید، زیرا رعایت آنها به صحت و استدال مزاج زیان دیده گان، مستضعفان، محرومان و تقویت استقرار عدالت مخصوصا عدالت قضایی کمک محسوس خواهد کرد(اسکندری، ۱۳۶۹: ۱۱۵). از لحاظ نتیجه در قانون فرانسه در خصوص این جرم برخی بر این باور هستند که این بزه از لحاظ نتیجه، مقید می‌باشد، بدین معنا که تهیه وسایل مذکور و کمک به بزهکار باید مانع دستگیری به مجرم اصلی شود(کوشا، ۱۳۸۹: ۴۱). اما به نظر می‌رسد نه تنها این جرم مقید به عدم دستیابی به بزهکار نمی‌باشد بلکه به طوری کلی این بزه، جرم مطلق است و حتی نیاز به آن نمی‌باشد که مجرم اصلی از وسایل تهیه شده منتفع شود. زیرا چنین قیدی نه در ماهیت این جرم است و نه در ماده ذکر شده و نه مقید به انتفاع عملی از وسایل تدارک دیده شده. در قانون افغانستان این جرم از لحاظ نتیجه جرم مطلق و نیاز به حصول نتیجه نیست. در نظام اسلام نیز همکاری با مجرمین به صورت مطلق مورد نهی قرار گرفته است. همچنین در بعضی کشورهای که نظام حقوقی آنها الهام گرفته از کامن لا است همچون انگلستان در خصوص این جرم از لحاظ نتیجه جرم مطلق در نظر گرفته است(Card, 1992, 369). یعنی همین که متهم عملی را با قصد ممانعت از تعقیب مجرم انجام دهد مستحق مجازات است، حتی نیاز نیست مجرم اصلی عملاً یاری شده باشد.

۲-۴-۲. رکن روانی

با تأسی از ماده (۴۹۲) کد جزای افغانستان رکن روانی جرم مورد بحث علم و قصد می‌باشد. به این معنا که شخص با وجود این که علم به متهم بودن فرد دارد، وی را قصداً مخفی نماید یا مساعدت نماید. در قانون فرانسه رکن روانی این جرم نیازمند علم به حکم و موضوع می‌باشد. یعنی شخص مرتکب بداند که این افراد(مجرم) مورد پیگرد قانونی است و با علم به این موضوع شخص مجرم را مخفی نماید. در نظام اسلام نیز علم و عمد شرط

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تحقق این جرم در نظر گرفته شده است. حالا سوال مطرح می‌شود اینکه؛ آیا علم و اطلاع باید از نوع جرم و میزان مجازات باشد یا علم اجمالی کفایت می‌کند: در خصوص جواب این سوال برخی معتقد اند که مخفی کننده، به طور دقیق ماهیت جرم و میزان مجازات را بداند، لذا علم اجمالی کفایت نمی‌کند(کوشا، ۱۳۸۹: ۴۲). اما نگارنده برا این باور است که علم اجمالی نسبت به جرم مورد بحث کفایت می کند و لازم نیست یاری کننده نوع دقیق جرم و مجازات را بداند زیرا در بسیاری موارد حتی حقوق دانان هم میزان دقیق مجازات را نمی‌داند. از طرف دیگر برای ارتکاب جرم سوء نیت عام کفایت می‌کند و هیچ قصد خاص برای تحقق جرم نیاز نمی‌باشد.

نتیجه گیری

عدالت قضایی یکی از شاخه های مهم عدالت اجتماعی است و مراد از آن رعایت قانون و احقاق حق در مقام قضاوت و داوری است. با مطالعه و بررسی آموزه های اسلامی می‌توان دریافت که آیات فراوانی بر اجرای عدالت قضایی تأکید دارد؛ تا جایی که اقداماتی که باعث اخلال در روند اجرای عدالت می‌شوند، صراحتاً مورد نهی قرار گرفته است، بر همین اساس قانونگذار افغانستان برای مرتکبان این اقدامات، تدابیر کیفری را در یک فصل خاصی(مواد ۴۶۱ تا ۴۹۴)کد جزا پیش بینی نموده است. در قانون مجازات فرانسه نیز از مواد (۱ ـ ۴۳۴ تا ۳۰ ـ ۴۳۴) تحت عنوان جرایم علیه عدالت قضایی اختصاص داده شده است. جرایم علیه عدالت قضایی به طور عمده در دو طبقه گنجانیده می‌شود، موانع ثبوتی استقرار عدالت و موانع اثباتی در اجرای عدالت، موانع ثبوتی استقرار عدالت، اعمالی هستند که به طور اخص در عدم اجرای عدالت اثر می‌گذارند. با تتبع و مطالعه تطبیقی نظام حقوقی اسلام، افغانسان و فرانسه در قبال این جرایم یافته‌های تحقیق نشان میدهد که به طوری کلی سیاست و عملکرد اسلام با قوانین کیفری افغانستان و فرانسه تطابق کامل ندارد. زیرا، اولاً؛ جرم انگاری این اقدامات، به نحو کلی و عام و بدون در نظر گرفتن این مهم بوده که آنها اقدامات علیه عدالت قضایی هستند؛ از این رو قانونگذاران کشورهای مزبور بدون ارائه ضابطه و سیاست جنایی خاص در برخورد با این دسته از

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جرائم دست به جرم انگاری برخی از این اقدامات زده اند. ثانیاً؛ مجموعه مقرراتی که مقنن آنها در برابر این جرایم(عدم اعلام جرم، مخفی کردن مجرمین، تهدید متولیان قضایی) پیش بینی کرده دارای ابهامات و اشکالات قابل توجهی هستند که باعث کاهش کارایی دستگاه عدالت قضایی آنها شده است. ثالثا؛ برخی از عوامل مخل اجرای عدالت قضایی(بزه پوشی در جرایم علیه عفت، عدم رعایت حقوق متهم و عدم شرایط و تخصص متولیان قضایی) که طبق آموزه های اسلامی مورد نهی قرار گرفته است، توسط قانونگذاران کشور ذکر شده جرم انگاری و رعایت نشده است. همین طور قوانین کیفری افغانستان با قوانین کیفری فرانسه در قبال جرایم علیه عدالت قضایی رویکرد های متفاوت را پیش گرفته اند. زیرا، در خصوص عدم اعلام جرم در قانون جزای فرانسه این جرم را تنها به جنایت پوشش داده است و نسبت به جنحه و خلاف تسری ندارد. اما در نظام حقوقی افغانستان به چند جرایم خاص(جاسوسی، خیانت به وطن، جرایم تروریستی، ...) اختصاص داده شده است و جرایم دیگر را شامل نمی‌شود. ثانیا، در جرم تهدید قربانی بر عدم طرح شکایت، در قانون کیفری فرانسه برای تفکیک این دو جرم(تهدید عام و تهدید خاص) به سوء نیت خاص روی آورده اند. لذا، این جرم علاوه بر سوء نیت عام جهت تفکیک از تهدید عام نیازمند سوء نیت خاص نیز می‌باشد. اما در قانون افغانستان این جرم مطلق، با عدم سوء نیت خاص است. ثالثاً، در قسمت از بین برن ادله جرم از لحاظ نتیجه، در قانون افغانستان مطلق و مقید به حصول نتیجه نیست. اما در قانون فرانسه این جرم از این لحاظ که شخص بایستی ادله را تغییر دهد یا... مقید به حصول نتیجه می‌باشد. رابعاً، در خصوص مخفی کردن عاملان جرم در قانون فرانسه به این موارد تصریح نموده و عنوان داشته است« یا هر وسیله دیگری برای رهایی از تحقیق یا دستگیری فراهم کند» اما در قانون افغانستان از واژه «مخفی نماید یا مساعدت نماید» اشاره نموده است. در ضمن، وجود این جرایم در یک نظام قضایی می‌تواند، بی‌اعتمادی و بدبینی مردم نسبت به دستگاه قضایی، و افزایش زمینه های وقوع جرم و راذیل اخلاقی را در پی داشته باشد. بدین جهت، اهمیت و ضرورت احقاق حق و اجرای عدالت ایجاب می کند که جهت رفع موانعی که به اشکال و طرق مختلف، موجبات اختلال در کشف حقیقت و اجرای عدالت را فراهم می آورند،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تدابیر لازم اتخاذ گردد. به هر تقدیر به لحاظ اهمیت ویژه موضوع و لزوم مقابله جدی با هر گونه اخلال در جریان اجرای عدالت شایسته است که قانونگذاران افغانستان و فرانسه با جرم انگاری دقیق تر و تفکیک اقدامات علیه عدالت قضایی، بر ضرورت رفع موانع اجرای عدالت، بیش از پیش تأکید نمایند. باشد که با تحقق این مهم و در پرتو مشارکت مسئولانه و آگاهانه عمومی با دستگاه قضایی و انتظامی، شاهد اجرای هر چه سریعتر و دقیق تر عدالت قضایی باشند.

منابع:

قرآن شریف.

نهج البلاغه

۱. اخلاقی، غلام سرور، ۱۳۸۹ش، راهکار و موانع تحقق عدالت در نظام سیاسی اسلام، مجله کوثر معارف، ش۱۳.

۲. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۰ش، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چ۲، ج۱.

۳. اسدی، لیلا، ۱۳۸۴ش، بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در حقوق ایران و اردن، فقه و حقوق خانواده، مجله تعالی حقوق، ش ۳۷ و ۳۸.

۴. اسکندری، محمد حسین، ۱۳۶۹ش، مستضعفان و مستکبران از دیدگاه قرآن و عترت(۵)، علوم قرآن و حدیث، نشریه نور علم، ش۳۶.

۵. افراسیابی، صابر، خوئینی، غفور، مجتهد سلیمانی، ابوالحسن، ۱۳۹۸ش، مبانی قانونی و اخلاقی جرم انگاری در حقوق کیفری ایران، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ش۴.

۶. افلاطون،۱۳۶۷ش، قوانین، مترجم محمد حسن لطفی، تهران، نشر خوارزمی، چ۲، ج۴.

۷. امامی، مسعود، شوپای جویباری، رمضانعلی، ۱۳۹۵ش، دانشنامه اسلام و حقوق بین الملل بشر دوستانه، تهران، نشر میزان، چ۱.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۸. امیدی، رسول، ۱۳۹۶ش، بررسی معدوم نمودن و اخفای آثار و ادله ی جرم در قانون مجازات و قانون آیین دادرسی کیفری جدید. فصلنامه مطالعات حقوق، ش ۱۴.

۹. آماده، غلام حسین، ۱۳۸۶ش، جرایم علیه عدالت قضایی در قانون مجازات امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران، مجله حقوقی عدالت آراء، ش۸.

۱۰. پروینی، علی، ۱۳۸۸ش، جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی، پیام آموزش، ش ۴۰.

۱۱. توجهی، عبدالعلی،صبوحی، رحمان،۱۳۹۳ش، سیاست جنایی بزه پوشی در حدود (با تأکید بر جرایم منافی عفت)، ماهنامه دادرسی، ش ۱۰۸.

۱۲. توجهی، عبدالعلی، مسعودیان، مصطفی،۱۳۹۱ش، بررسی تطبیقی جرم تهدید به عنوان اقدامی علیه عدالت قضایی، حقوق جزا و سیاست جنایی، ش ۱.

۱۳. توسلی جهرمی، منوچهر،۱۳۸۲ ش، ثبوت و اثبات، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۲.

۱۴. جرجانی، سید امیر ابو الفتح حسینی،۱۴۰۴ق، تفسیر شاهی، تهران، انتشارات نوید، چ۱، ج۲ .

۱۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر،۱۳۹۰ش، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چ۲.

۱۶. جعفری، محمد تقی، ۱۳۸۵ش، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، چاپخانه حیدری، چ۱، ج۳.

۱۷. جمعی از نویسنده گان، قاموس اصطلاحات حقوقی افغانستان، ۱۳۸۷ش، کابل، دانشگاه کابل« به کمک مالی پروژه امور عدلی و قضایی افغانستان(USAID)، چ۱.

۱۸. حاتمی، محمد رضا، رحمانی، جبار،۱۳۹۱ش، عدالت در اسلام، تهران، پژهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چ۱، ج۱.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۹. حرانی، حسن بن علی،۱۳۷۶ش، تحف العقول(سخنان چهارده معصوم)، ترجمهی محمد صادق حسن زاده، تهران، مکتبه الصدوق.

۲۰. حسن پور، جمیل، صدیق، میر ابراهیم، همراهی، راضیه، ۱۳۹۶ش، بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در پنج کشور آمریکا، آلمان، آلبانی، ایران و فرانسه، فصلنامه علمی ـ پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ش۳۹.

۲۱. الحصری، احمد،۱۴۱۳ق، السیاست الجزایی، بیروت، دار الجیل،ج۲.

۲۲. رحمانی، غلام رضا، ۱۳۸۸ش، هستی شناسی فلسفی: شرح تحفه الحکیم آیت ... شیخ محمد حسن غروری اصفهانی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چ۱.

۲۳. رسولی، محمد اشرف، ۱۳۹۸ش، شرح کد جزا افغانستان(مصوب ۱۳۹۶ش)، کابل، بنیاد آسیا، چ۱،ج۳.

۲۴. سعیدی، احمد،۱۳۹۳ش، دستوراتی از قرآن، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چ۵.

۲۵. شهید اول، محمد بن مکی،۱۳۹۹ق، القواعد و الفوائد: فی الفقه و الاصول و العربیه ، نجف،بی نا.

۲۶. صفاری، علی؛ سیفی، سحر،۱۳۹۴ش، تأثیر نوع جرم، بر اهمیت و محل ارتکاب آن بر عدم گزارش جرایم از جانب افراد به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی، دانشنامه حقوق و سیاست، ش۲۳.

۲۷. طباطبایی، محمد حسین،۱۳۸۷ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه ای سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ۲، ج۱.

۲۸. طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۷۸ش، تفسیر مجمع البیان، ترجمه‌ای علی اکرمی، تهران، انشتارات فراهانی، چ۲، ج۳.

۲۹. عزیزی، علی‌رضا، مهدوی ثابت،محمدعلی، ۱۳۹۷ش، مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری اخلال در فرآیند دادرسی کیفری، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش۱۸.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳۰. علی‌خانی، علی اکبر و همکاران، ۱۳۸۸ش، در آمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق، چ۱، ج۶۲.

۳۱. قیاسی، جلال الدین، ساریخانی، عادل، خسروشاهی، قدرت الله،۱۳۹۱ش، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ۳، ج۲.

۳۲. کاتوزیان، ناصر،۱۳۵۲ش، فلسفه حقوق، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

۳۳. کلینی، ابو جعفر، محمد ابن یعقوب،۱۴۱۳ق، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ۴، ج۷و۸.

۳۴. کوشا، جعفر،۱۳۸۹ش، اخلال در عدالت، از جرائم علیه امنیت عمومی است، ماهنامه قضاوت، ش۶۵.

۳۵. --------، ۱۳۸۹ش، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، انتشارات میزان، چ۲.

۳۶. لنگرودی، جعفر،۱۳۶۲ش، مقدمه علم حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.

۳۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد بن شمس سروی،۱۳۸۲ش، شرح الکافی،تهران، المکتبة الإسلامیة، چ۱، ج۲.

۳۸. مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر،۱۳۸۶ش، زیر نظر دکتر امیر ارجمند، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۳۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵ش، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انشتارات صدرا، ج۶.

۴۰. ----------، ۱۳۶۱ش، عدل الهی، قم، صدرا، ج۲.

۴۱. مغنیه، محمد جواد، ۱۳۸۶ش، تفسیر الکاشف، ترجمه‌ی موسی دانش، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چ۲، ج۱.

۴۲. میرزایی، اسدالله،۱۳۸۶ش، حمایت از بزه‌دیدگان و شهود در برابر تهدید در فرآیند دادرسی، مقالات برگزیده حقوق شهروندی، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات، چ۱.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۴۳. نجارزادگان، فتح الله، مسعودیان، مصطفی،۱۳۸۹ش، بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران، فصلنامه پژوهشهای میان رشته‌ای قرآن کریم، ش۳.

۴۴. نجفی توانا، علی؛ فدایی، حسن،۱۳۸۷ش، الزام افراد عادی به گزارش جرم در حقوق ایران و فرانسه، مجله حقوق اسلامی، ش ۱۹.

۴۵. وکیل زاده، رحیم، صغیری، اسماعیل، دهقان، رمضان،۱۳۸۹ش، انصاف و عدالت از دیدگاه فقهی، مجله حقوق اسلامی، ش ۵.

۴۶. ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۴ش، حقوق جزای عمومی، تهران، مؤسسه فرهنگی امید، چ۳، ج۲.

۴۷. ----------، ۱۳۸۰ش، بررسی مصادیق برجسته عدالت قضایی از سیره امام علی(ع)، ش ۴و۵.

۴۸. ----------، ۱۳۸۹ش، جرایم علیه عدالت قضایی و اقتدار و نظم عمومی، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، چ۱.

۴۹. یزدی طباطبایی، سید محمد کاظم، ۱۴۰۴ق، العروه الوثقی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ج۲.

۵۰. یکرنگی، محمد،۱۳۹۶ش، جرایم علیه اجرای عدالت قضایی، تهران، انتشارات خرسندی، چ۳.

۵۱. کد جزا افغانستان مصوب ۱۳۹۶ش.

۵۲. قانون مجازات فرانسه، ۱۳۸۶ش، ترجمه گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، تهران، مرکز مطالعات توسعه ی قضایی، انتشارات سلسبیل.

۵۳. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶م.

۵۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸م.

55. Bohlander, Michael, (2001) International Criminal tribunals and Their Power to Punish Contempt and False Testimony, Criminal Law Forum , Kluwer Academic Publishers, Netherlands.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

56. Scheb, John M & Scheb, II John M, (2012) Criminal Law, Wadsworth, Cengage Learning.
57. Report of the Working Group on Procedural Matters, UN Doc. A/CONF.183/C.1/WGPM/L.2/ ADD. 7.
58. Card, Richard,(1992) Criminal Law, Butterworth & Co publishers, I st ed.
59. General Assembly Resolution 40/34, annex. Declaration of Bassic principles of justice for Victims of Crime and Abuse of power. (http://www.un.org/documents/ga/res/40/a40r034.htm)
60. .Mill, john Stuwart,(1972)Utilitarianism; on liberty and consideration on representative government, Everyman,.
61. Finn, peter & Murphy Healey, Kerry(1996): preventing Gang Related Witness Intimidation, U.S Department of Justice, National Institute of justice.
62. Colman Donnchadha: (2004), "Witness Intimidation – Criminal Justice in Crisis" in: http:// www.colr. accie/assay/ VI.
63. Francis, Le,(1996) Le Nouveau Droit penal, Troiseme edition, Economica,
64. Paradel, jean,(1994)Le Nouveau cod penal (partie generale), Dalloz.
65. Hohfeld, Wesley, (1919) Fundamental Legal Conceptions as applied in judicial Reasoning, new Heaven, Yale University

Archive of SID.ir